

اعطای انحصار

در سه شماره پیش از این سخن از مساله واگذاری امتیاز نفت شمال ایران رفت و با زمینه‌ها و بازیگران اصلی انعقاد قرارداد استعماری مذکور آشنا شدیم و ادامه بحث را به شمارگان بعدی واگذاشتیم؛ اکنون، در این شماره ادامه مباحث قبلی را ملاحظه می‌فرمایید و چند و چون ماجرا و فرجام آن را خواهید دانست. امتیازی که خیلی ساده و بی درد سر به خوشناریا داده شده بود به مهم‌ترین مساله ایران آن روز تبدیل شد و انگلیس و روسیه و آمریکا را بر سر یک تازی در این عرصه به جان هم انداخت اما نهایتاً بازی بین دو شرکت امریکایی استاندارد اویل و سینکسر جریان یافت و سرانجام کمپانی سینکسر که متعلق به پسر روزولت رئیس جمهور آمریکا بود پس از مدت‌ها گفت و شنود و سیاست‌بازی در زمان نخست‌وزیر رضاخان امتیاز مذکور را به دست آورد؛ هر چند که هرگز نتوانست به اکتشاف و استخراج نفت شمال نایل آید.



واکنش انگلستان و شوروی در برابر تصویب اعطای امتیاز نفت شمال به استاندارد اویل

انتشار خبر تصویب لایحه اعطای امتیاز نفت شمال ایران به یک شرکت نفتی امریکایی به نام استاندارد اویل با واکنش شدید دولتهای انگلیس و شوروی و همچنین شرکت نفت ایران و انگلیس روبرو شد. دولت انگلستان که نگران از دست دادن کنترل انحصاری خود بر منابع نفت ایران بود، از طریق سفارت خود در تهران به وزارت امور خارجه ایران اعتراض نمود و تاکید کرد: «خوشناریا، امتیاز نفت خود را به شرکت نفت ایران و انگلیس واگذار کرده و دولت ایران حق ندارد، آن را به دیگری واگذار کند.»^۱ از سوی دیگر، کاردار سفارت انگلستان در ایران در دیدار با احمد قوام - نخست‌وزیر وقت - از اینکه دولت ایران در قضیه امتیاز نفت شمال با آن سفارت مشورت نکرده است، اعلام ناراضیاتی نمود و «عدم مراجعه دولت به سفارت انگلیس را غیردوستانه تلقی کرد.»^۲ دولت شوروی هم با ارسال نامه اعتراضی به دولت ایران، اعطای امتیاز نفت شمال به یک شرکت امریکایی را خلاف تعهدات ایران دانست و عنوان کرد که براساس پیمانهای بین دو دولت ایران و روسیه، اعطای امتیاز نفت در جوار مرزهای آن کشور به دولتهای دیگر بدون جلب نظر و موافقت مسکو، خلاف تعهدات دولت ایران است. به علاوه، امتیاز نفت شمال توسط وثوق‌الدوله به خوشناریا - یکی از اتباع روسیه تزاری - در سال ۱۹۱۶ - اعطا شده است و دولت ایران براساس عهدنامه مودت ایران و شوروی در سال ۱۹۲۱ متعهد است، امتیازاتی را که پیش از این به روسیه یا اتباع آن واگذار شده بود؛ به کشور دیگری واگذار نکنند.^۳

در پاسخ به اعتراضات دو دولت انگلیس و شوروی که بر پایه مشروعیت‌بخشیدن به قرارداد غیرقانونی خوشناریا استوار بود، دولت قوام اعلام کرد: «چون نوشته‌ای که در دست خوشناریا بوده است، به تصویب مجلس نرسیده و قبل از انتقال به کمپانی نفت جنوب ملغاً بوده و ابطال

آن را حین انتقال به وزارت خارجه انگلستان اعلام کرده است، ادعای کمپانی نفت جنوب لغو و از درجه اعتبار ساقط است.»^۴ از سوی دیگر احمد قوام در دیداری با کاردار سفارت انگلستان در پاسخ به اظهارات وی چنین گفت: «چون تقریباً ده روز قبل از اعطای امتیاز کمپانی امریکایی راجع به امتیاز خوشناریا در مجلس مذاکره شد و من بطلان امتیاز خوشناریا را در مجلس اظهار کردم و مجلس از اظهار من اتخاذ سند نمود و شما هم سکوت کردید، دیگر دلیلی نمی‌ماند که تصور کنم؛ مراجعه نکردن من در این موضوع که حق طلاق دولت و بلامانع بوده است، برخلاف دوستی تعبیر شود.»^۵

پاسخ دولت ایران، به ظاهر دولت شوروی و سفارت آن کشور در تهران را «از تعقیب اعتراضات منصرف نمود.»^۶ زیرا پس از آن دیگر هیچ واکنش یا اقدامی از سوی این دولت در برابر اعطای امتیاز نفت شمال دیده نشد. اما انگلستان برای حفظ قدرت انحصاری خود بر منابع نفت ایران، تلاشهای گسترده‌ای را برای منصرف کردن شرکت نفتی امریکایی انجام داد. از جمله اوکلند گلدس - سفیر بریتانیا در امریک - در یادداشتی به تاریخ ۱۶ آذر

۱۳۰۰ ه. ش / ۷ دسامبر ۱۹۲۱ م به وزارت امور خارجه امریکا فعالیت شرکتهای نفتی آن کشور در ایران را برای کسب امتیاز بیشتر قلمداد کرد. همچنین شرکت نفت ایران و انگلیس اعلام نمود که از دادن راه عبور برای حمل نفت شمال ایران از زمینهای تحت اختیارش ممانعت خواهد کرد. این شرکت در اقدام دیگری، به بانک شاهنشاهی دستور داد، از پرداخت مساعده و وام به دولت ایران خودداری نماید.^۷ در حالی که، دولت قوام به شدت در تنگنای مالی قرار داشت و به حسین علا - وزیر مختار ایران در امریکا - فشار می‌آورد تا هر چه سریع‌تر قرارداد امتیاز نفت شمال را به امضای شرکت استاندارد اویل برساند و «بدوا هر مبلغی که ممکن شود؛ به طور مساعده برساند که هرگاه به فوریت، وجه نرسد؛ از شدت اضطراب، کابینه استعفا خواهد داد.»^۸ این زمانی بود که خزانه به‌طور کامل خالی شده و چند ماه حقوق قشون و ادارات پرداخت نشده بود.^۹

از سوی دیگر، دولت انگلیس که خواستار رویارویی شرکت نفت ایران و انگلیس با شرکت امریکایی استاندارد اویل نبوده، با انتصاب سرجان کدمن - طراح امتیاز نفت سان‌رمو - در سال ۱۲۹۳ م به عنوان مدیر شرکت نفت ایران و انگلیس،^{۱۰} او را به واشنگتن فرستاد تا به مقامات امریکایی و مدیران شرکت نفتی استاندارد اویل بفهماند؛ تنها راه ادامه فعالیت آن شرکت در ایران، مشارکت شرکت نفت جنوب در امتیاز نفت شمال ایران است.^{۱۱}

کدمن در اوایل دسامبر ۱۹۲۱ به امریکا رفت و حمایت از «سیاست درهای باز» به مسوولان امری فهماند که براساس امتیاز داری، حق کشیدن لوله به خلیج فارس به طور انحصاری در اختیار شرکت نفت جنوب است و کمپانی استاندارد اویل راهی جز این ندارد که امتیاز نفت شمال را با شرکت نفت جنوب تقسیم نماید.^{۱۲} در ۱۶ آذر ماه سال ۱۳۰۰ ه. ش بود که خبرگزاری رویتر در گزارشی جهت‌دار از تلاش دوستانه شرکت نفت ایران و انگلیس

دولت شوروی عنوان کرد که براساس پیمانهای بین دو دولت ایران و روسیه، اعطای امتیاز نفت در جوار مرزهای آن کشور به دولتهای دیگر بدون جلب نظر و موافقت مسکو، خلاف تعهدات دولت ایران است

واقعیت این بود که شوستر در قضیه نفت شمال و فراهم آوردن مقدمات انعقاد قرار زحمت بسیاری کشیده بود. قوام نیز در نظر داشت، برای جبران زحمات وی مبلغ ۱۵۰ هزار دلار به شوستر بپردازد. نمایندگان مجلس پرداخت این وجه را حق دلالی و تبانی با وی تعبیر کردند

و شرکت استاندارد اوایل برای حل و فصل اختلافات بر سر امتیاز نفت شمال خبر داد و با صحنه گذاشتن بر مشروعیت قرارداد خوشتاریا که مورد نظر انگلیس و شرکت نفت جنوب و حتی استاندارد اوایل بوده، احتمال توافق دو طرف را مطرح ساخت. این خبرگزاری اعلام کرد: «راجع به خبر اعطای امتیازات شمال ایران به کمپانی نفت استاندارد به واسطه دولت ایران از منبع موثقی اظهار شده که اینها امتیازاتی هستند که سابقا دولت گرجستان دارا بود. [منظور خوشتاریای گرجی است] شرکت محدود نفت شمال ایران که عمده منافع آن متعلق به کمپانی نفت انگلیس و ایران است، این امتیازات را از آنها خریداری نمود، دولت ایران بی‌اعتبار بودن امتیازات را صریحا اخطار کرد و سعی نمود؛ مشتریان جدیدی پیدا کند. مجلس تصویب نمود که امتیازات به کمپانی نفت استاندارد واگذار شود؛ اما کمپانی امتیازات را قبول نکرده تا تحقیقات کامل به عمل آید. استاندارد و کمپانی نفت ایران و انگلیس از راه دوستانه موضوع را تحت مباحثه آورده‌اند و هیچ دلیلی ندارد، تصور کنیم؛ نتیجه مذاکرات هر چه باشد، عدم موافقتی فیمابین روی دهد و از قرار معلوم طلمه به عملیات کمپانی نفت انگلیس و ایران در ایران جنوبی و شرقی نمی‌زند.»^{۱۳} چند روز بعد، نتیجه مذاکرات مدیران شرکتهای نفت ایران و انگلیس و استاندارد اوایل فاش گردید و آن، صحنه‌گذاشتن دو طرف بر اعتبار امتیاز خوشتاریا و انتقال آن به شرکت نفت جنوب بود و اینکه استاندارد، شرکت نفت جنوب را در نفت شمال شریک کرده است، یعنی توافقی که با ماده پنجم امتیاز استاندارد که بر «عدم مشارکت» تاکید می‌کرد؛ مغایر بود.^{۱۴} از طرف دیگر، براساس این توافق در استانهای خراسان و آذربایجان که جزیی از امتیاز خوشتاریا نبودند، برای شرکت نفت جنوب ایجاد حق شده بود.

با انتشار خبر مربوط به مذاکرات مدیران شرکت نفت ایران و انگلیس و شرکت استاندارد اوایل و نخستین توافق آنها بر سر تقسیم سهام امتیاز نفت شمال، دولت ایران هرگونه توافقی را رد کرد و آن را مغایر با ماده پنجم امتیاز نفت شمال اعطایی به استاندارد اوایل دانست. در همین خصوص، احمد قوام در نامه‌ای به حسین علا با اشاره به قراردادهای شرکت استاندارد اوایل برای ساکت کردن شرکت نفت جنوب، هشدار داد:

«اگر چنین قراردادی از قبیل مشارکت کمپانی نفت جنوب در امتیاز نفت شمال یا به طور دیگر صحت داشته باشد، علاوه بر اینکه مخالف ماده پنجم اعطای امتیاز است، در افکار عمومی که فوق‌العاده متوجه امر امتیاز شده است، سوء اثر دارد.» وی از وزیر مختار ایران خواست از توافق شرکت نفت جنوب و شرکت استاندارد جلوگیری نماید.^{۱۵} اما دولت قوام که به دلیل تعویق در پرداختن حقوق کارمندان دولت و نیروهای نظامی و انتظامی به شدت زیر فشار بود و پیشرفت کند روند انعقاد امتیاز نفت شمال با استاندارد اوایل و امتناع دولت آمریکا از اعطای وام به خاطر مخالفت دولت انگلیس با وثیقه‌گذاشتن عایدات نفت جنوب، آن را در معرض حملات شدید نمایندگان مخالف در مجلس قرار داده بود.

بیش از این تاب نیاورد و در بهمن ماه ۱۳۰۰ استعفا کرد. نمایندگان مخالف در مجلس، قوام را متهم به اختصاص سهمی از پول نفت شمال برای خود کردند که در این مورد با مورگان شوستر امریکایی تبانی کرده است. واقعیت این بود که شوستر در قضیه نفت شمال و فراهم آوردن مقدمات انعقاد قرار زحمت بسیاری کشیده بود. قوام نیز در نظر داشت، برای جبران زحمات وی مبلغ ۱۵۰ هزار دلار به شوستر بپردازد. نمایندگان مجلس پرداخت این وجه را حق دلالی و تبانی با وی تعبیر کردند. قوام هم که چنین دید، استعفا کرد و مشیرالدوله پیرنیا مامور تشکیل کابینه گردید.^{۱۶}

کابینه مشیرالدوله

امتیاز نفت شمال و اعتراض شوروی

همزمان با روی کار آمدن مشیرالدوله که مذاکرات شرکتهای نفت جنوب و استاندارد اوایل بر سر همیاری در بهره‌برداری از نفت شمال ایران ادامه داشت، دولت شوروی که تا پیش از انتشار خبر مشارکت شرکت نفت ایران و انگلیس با استاندارد اوایل ساکت بود، به محض آگاهی از موضوع به مخالفت با آن برخاست.

فتودوروروشنین - سفیر شوروی در ایران - بی‌درنگ نامه اعتراض آمیز دولت متبوع خود را تسلیم مشیرالدوله کرد و این قرارداد را نقض آشکار پیمان ۱۹۲۱ ایران و شوروی دانست. براساس ماده سیزدهم عهدنامه مودت ایران و شوروی در سال ۱۹۲۱ دولت شوروی تمام امتیازات دولت روسیه تزاری یا اتباع آن کشور در ایران را به دولت ایران واگذار کرده بود؛ مشروط بر اینکه ایران، امتیازات مزبور را به موسسات یا اتباع کشورهای دیگر واگذار نکند. دولت شوروی بر مبنای این ماده معتقد بود؛ هیچ دلیلی وجود ندارد که امتیاز نفتی خوشتاریا از مجموع این امتیازات حذف شود. این دولت همواره امتیاز خوشتاریا را از جمله امتیازاتی می‌دانست که به دولت ایران واگذار شده است و بر این موضوع در ماده دوازدهم عهدنامه تاکید گردیده که «دولت شوروی سایر امتیازات را هم علاوه بر آنچه در مواد ۹ و ۱۰ ذکر شد که دولت سابق تزاری عنفا برای خود و اتباع خود از دولت ایران گرفته بود؛ از درجه اعتبار ساقط می‌دارد.»^{۱۷}

در پی اعتراض شوروی، سفارت انگلستان در تهران به مشیرالدوله اطلاع داد که ادعای شرکت نفت ایران و انگلیس نسبت به امتیاز نفت شمال همچنان به قوت خود باقی است و اگر ایران با امتیاز پیشنهاد شده از سوی استاندارد نیوجرسی موافقت کند؛ چنین فرض خواهد شد که شرکت نفت جنوب نیز در آن مشارکت دارد.^{۱۸}

در واکنش به کوششهای شوروی و بریتانیا برای انحصار منابع نفت ایران، دولت مشیرالدوله سیاست خود را مقاومت در برابر ائتلاف استاندارد و شرکت نفت ایران و انگلیس قرار داد. پیرنیا به شدت مخالف اعطا و همیاری شرکت نفت جنوب در امتیاز نفت شمال بود. وی هرگونه مشارکت استاندارد اوایل با شرکت نفت جنوب را منوط به تصویب مجلس می‌دانست و گرفتن رای مثبت از مجلس را به خاطر حساسیت افکار عمومی بعید می‌دید. با این وجود، چنین می‌گفت: «دولت روسیه همین قدر که راضی



دولت مشیرالدوله نتوانست در انصراف استاندارد اوپل از همیاری با شرکت نفت ایران و انگلیس موفقیتی بدست آورد. در نتیجه، دولت مشیرالدوله در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۰۱ سقوط کرد و بار دیگر احمد قوام تشکیل کابینه داد

است که چهار میلیون دیگر را در آینده ندهد و دولت ایران هم نتواند از استاندارد استقراض نماید و به این ترتیب چون عایدات نفت جنوب وثیقه یک میلیون دلار می‌شود؛ دیگر دولت محلی برای استقراض، چهار میلیون نخواهد داشت.^{۱۱}

با وجود مخالفت‌های دولت ایران با همیاری شرکت نفت ایران و انگلیس در نفت شمال، مذاکرات - کدمن مدیرعامل شرکت نفت جنوب - با مدیران استاندارد اوپل ادامه یافت و به انعقاد قراردادی بین دو طرف انجامید. این قرارداد که توسط مورگان شوستر تنظیم شده بود، در ۹ اسفند ۱۳۰۰ بوسیله کاردار آمریکا در ایران به پیرنیا تسلیم شد. در این قرارداد آمده بود که براساس قانون آمریکا شرکت جدیدی به نام شرکت نفت ایران - آمریکا تشکیل خواهد شد که منابع نفتی و معدنی ۵ استان شمالی ایران را به جای امتیاز خوشتاریا و فرمان سپهسالار مبنی بر اکتشاف نفت بعضی از نقاط مازندران - محال ثلاثه تنکابن، کجور و کلارستاق - استخراج نماید. براساس این قرارداد، شرکت نفت استاندارد اوپل آمریکا متعهد شده بود که ابتدا مبلغ صد هزار لیره بابت نصف مطالبات خوشتاریا به شرکت نفت جنوب بپردازد و در مدت یک سال ۷۸۱۰۰ لیره دیگر نیز پرداخت کند. شرکت نفت ایران و آمریکا توسط استاندارد اوپل اداره می‌شد و هر دو شرکت نفت جنوب و استاندارد در آن سهم مساوی داشتند. اتباع و دولت ایران حق داشتند تا میزان ۲۰ درصد در سرمایه این شرکت سهم باشند. از دیگر مواد قرارداد

شده بر ضد کمپانی آمریکایی در نفت شمال ضدیت نکنند، ولی با شرکت انگلیسی قطعا ضدیت خواهد کرد و اگر احيانا به واسطه فشار انگلیس و آمریکا، مسکو ظاهرا ساکت باشد، در باطن دست از تحریکات برنخواهد داشت و در سرحد شمال زحمتها برای اولیای دولت فراهم خواهد کرد. بر همین اساس تاکید داشت که: «امتیاز نفت تماما با خود استاندارد باشد و اگر مشارالیه می‌خواهد قراری با کمپانی جنوب بدهد، این قرارداد در هر حال نباید براساس شراکت باشد. مثلا اگر استاندارد، امتیاز را تماما خود بگیرد؛ ولی قراری بدهد که درصدی فلاَن را از نفت استخراجی را به کمپانی جنوب به عنوان فروش یا غیر آن خواهد داد، به اصول مصوبه مجلس خللی وارد نمی‌آید و تصور نمی‌کنم؛ جای ایراد باشد.»^{۱۲}

برخلاف مشیرالدوله، حسین علا - مامور پیگیری انعقاد قرارداد با شرکت استاندارد اوپل - معتقد بود: «شرکت کمپانی نفت جنوب در امتیاز نفت شمال بی‌ضرر است و موجب افتتاح مملکت و دخول آمریکا ولو با کمک انگلیس می‌شود و به قدری برای ایران مفید است که صلاح، قبول آن خواهد بود.»^{۱۳} اما مشیرالدوله تاکید داشت که همیاری دو شرکت نفتی در امتیاز نفت شمال از طریق مجلس رد خواهد شد؛ زیرا با اصول پنج‌گانه اعطای امتیاز نفت شمال به استاندارد اوپل مغایرت دارد. علاوه بر این، وی مخالف دریافت قرض از شرکت نفت جنوب برای وثیقه‌گذاری عایدات نفت جنوب بود، زیرا باور داشت: «اگر کمپانی نفت جنوب یک میلیون دلار را بدهد، ممکن

در واکنش به کوششهای شوروی و بریتانیا برای انحصار منابع نفت ایران، دولت مشیرالدوله سیاست خود را مقاومت در برابر ائتلاف استاندارد و شرکت نفت ایران و انگلیس قرار داد. وی به شدت مخالف اعطا و همیاری شرکت نفت جنوب در امتیاز نفت شمال بود

این بود، در صورتی که نفت به مقدار کافی پیدا نشود؛ استاندارد می‌تواند پیش از ۱۱ اسفند ۱۳۰۳ خود را کنار بکشد، در این صورت سهام آن به شرکت نفت جنوب واگذار خواهد شد. همچنین در قرارداد آمده بود، اگر شرکت اقدامی ضدحقوق سلطنتی ایران نماید؛ امتیاز از درجه اعتبار ساقط است. براساس این قرارداد حقوق دولت ایران از عایدات نفت جنوب پرداخت شد.^{۳۳}

پیرنیا از همان ابتدا، به شدت با همیاری شرکت نفت جنوب با استاندارد اوایل مخالفت کرد. وی در تلگرافی به حسین علا اعلام کرد: «چون استاندارد، متصل تغییر عقیده می‌داد و خنثامانند دو فخره قطعهنامه مجلس همه در این مدت به همین جهت بود، لزوما شوستر قراردادی آخری را برای تحصیل امضای آنها امضا کرد؛ ولی بدون اینکه دولت علیه را ملزم یا متعهد کرده باشد. همین قدر وعده داده است که شرایط را به اولیای دولت پیشنهاد و سفارش نماید.»^{۳۴} به این ترتیب وی از پذیرش قرارداد امتناع کرد و تعهدی را نسبت به آن نپذیرفت. از سوی دیگر، نخست‌وزیر به کاردار سفارت آمریکا در ایران به

تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۰۰ اطلاع داد که «دولت ایران اساسا بر ضد قرارداد دو شرکت استاندارد و نفت جنوب نیست، اما این قرارداد باید طوری باشد که از حدود مصوبات مجلس خارج نشده و ایران را دچار مشکلات سیاسی با روسیه نکند. به این معنا که اولاً در دیباچه امتیاز و خود امتیاز اسمی از شرکت نفت جنوب برده نشود؛ چون مخالف ماده ۵ مصوبه مجلس است. ثانیاً مدیریت و کنترل امتیاز به اتباع انگلیس واگذار نشود. ثالثاً در صورتی که استاندارد پس از توافق با شرکت نفت جنوب از امتیاز خارج شود؛ امتیاز از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.»^{۳۵}

در پی اعلام رسمی دولت ایران مبنی بر مخالفت با قرارداد همیاری دو شرکت نفتی استاندارد اوایل و نفت جنوب و همچنین طولانی شدن مذاکرات برای حل و فصل اختلافات، به تدریج آشکار گردید که امتیاز نفت اعطایی به شرکت استاندارد به سرانجام نمی‌رسد. به همین جهت از سوی وزیر مختار ایران در آمریکا تماسهایی با دیگر شرکتهای نفتی آمریکایی گرفته شد تا آنان را به حضور در بازار نفت ایران ترغیب نماید. در پی



این تماسها و به بن‌بست رسیدن نسبی مذاکرات با استاندارد اوایل، ناگهان در ۱۸ اسفند ۱۳۰۰ شرکت نفتی سینکлер نمایندگان به تهران فرستاد و پیشنهاد اعطای امتیاز نفت شمال را تسلیم مقامات ایرانی کرد. نمایندگان این شرکت در تهران اعلام کردند که «آن شرکت ادعای کمپانی جنوب را خود به عهده می‌گیرد و از ضدیت انگلیسی‌ها نمی‌ترسد و متعهد می‌شود که با دیگری شراکت نکند.»^{۳۶} ضمناً مبلغ ۵ میلیون دلار به ایران قرض می‌دهد.^{۳۷} پیشنهادات شرکت سینکлер خوبها و بدیهایی به همراه داشت. از یک سو، این شرکت در دستگاه سیاسی و اتاری آمریکا از نفوذ چندانی برخوردار نبود، در حالی که شرکت استاندارد نفوذ فوق‌العاده‌ای در وزارت امور خارجه آمریکا داشت و همچنین از حمایت دولت انگلستان که انحصار نفت خاورمیانه را در اختیار داشت؛ برخوردار بود. از سوی دیگر، سینکлер به خاطر اینکه در جزیره ساخالین شوروی به فعالیت نفتی مشغول بود و به عنوان نماینده فروش نفت روسیه در خارج از کشور عمل می‌کرد، مورد حمایت مسکو قرار داشت و از این لحاظ

بخشین مکشرفین غربی نفت در ایران

حساسیت و مشکلات کمتری را برای ایران بوجود می‌آورد.^{۳۷} اما از آنجا که دولت ایران با استاندارد در حال مذاکره بود و امیدوار بود که بتواند موافقت آن را بدست آورد و همچنین مصوبه مجلس اجازه اعطاء امتیاز نفت شمال به شرکت نفت دیگری را نمی‌داد؛ از مذاکره رسمی با شرکت سینکالر خودداری کرد و کوشید استاندارد اوایل را ترغیب نماید که این قدر در مقابل انگلیس‌ها محبوب و تسلیم محض نباشد.^{۳۸} با این وجود، دولت مشیرالدوله نتوانست در انصراف استاندارد اوایل از همپاری با شرکت نفت ایران و انگلیس موفقیتی بدست آورد. در نتیجه، دولت مشیرالدوله در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۰۱ سقوط کرد و بار دیگر احمد قوام تشکیل کابینه داد.

کابینه دوم قوام و آغاز مذاکرات با شرکت امریکایی سینکالر

دولت قوام برنامه اصلی خود را به مساله نفت شمال اختصاص داد و کوشید برای حل مساله به شرکت سینکالر روی آورد تا «در مقابل استاندارد رقیبی تهیه شده و امتیاز بیشتری به نفع مملکت تمام شود.»^{۳۹} برای این مقصود، اصلاح مصوبه مجلس شورای ملی درخصوص اعطای امتیاز نفت شمال به شرکت استاندارد اوایل ضروری به نظر می‌رسید. بنابراین، اصلاح این مصوبه بخشی از اهتمام دولت قوام را تشکیل می‌داد. البته، مجلس تحت تاثیر فعالیتها و تماسهای نمایندگان شرکت سینکالر آمادگی چنین اصلاحی را داشت و آنها «عده زیادی از وکلا را با خود همراه کرده بودند.»^{۴۰} با وجود این، دولت قوام عنان احتیاط را از کف نداد و به منظور در امان ماندن از اعمال فشارهای استاندارد و شرکت نفت ایران و انگلیس، اعلام کرد که اصلاح مصوبه مجلس «به هیچ وجه متضمن قطع مذاکرات با استاندارد نخواهد بود و دولت مذاکرات خود را با کمپانی استاندارد تعقیب خواهد کرد.»

در واقع هدف اصلی دولت قوام از اصلاح مصوبه این بود که «برای استاندارد رقیبی تهیه شده باشد؛ بلکه استاندارد با شرایط مساعدتری با دولت کنار آید و زودتر این کار خاتمه پذیرد.»^{۴۱}

به منظور اصلاح قانون امتیاز نفت شمال، ۴۲ تن از نمایندگان مجلس طرحی را پیشنهاد کردند که به موجب آن انحصار مذاکره با استاندارد اوایل برداشته می‌شد.^{۴۲} مجلس شورا در ۲۵ خرداد ۱۳۰۱ تشکیل جلسه داد و قانون ۳۰ آبان ۱۳۰۰ را به قرار زیر اصلاح کرد:

ماده نخست: مجلس شورای ملی، واگذارند امتیاز استخراج نفت را در ایالات آریزایجان، خراسان، گیلان، استرآباد و مازندران به کمپانی استاندارد اوایل یا کمپانی معتبر مستقل امریکایی دیگری به شرایط ذیل تصویب می‌نماید.

ماده پنجم: کمپانی استاندارد اوایل با هر یک از کمپانیهای امریکایی که مورد قبول واقع شود؛ نمی‌تواند به هیچ وجه این امتیاز را به هیچ دولت یا کمپانی یا شخص انتقال بدهد و همچنین شراکت با سرمایه‌داران دیگر منوط به تصویب مجلس شورای ملی ایران است.^{۴۳}

مصوبه جدید مجلس ایران، هیاهوی بسیاری را به همراه داشت. روزنامه‌های کشور به دو دسته طرفداران و مخالفان اصلاحیه تقسیم شدند و یکدیگر را به باد انتقاد گرفتند. تعدادی از روزنامه‌ها هوادار اعطای امتیاز نفت شمال به استاندارد اوایل و تعدادی دیگر طرفدار اعطای آن به شرکت امریکایی سینکالر بودند. طرفداران استاندارد اوایل بیشتر زیر نفوذ شرکت نفت ایران و انگلیس قرار داشتند و طرفداران سینکالر توسط سفارت شوروی در تهران حمایت می‌شدند. در همین زمان نماینده شرکت جنوب در تهران شایع کرد که برخی از نمایندگان مجلس به وی گفته‌اند: «اگر استاندارد، دویست هزار تومان رشوه بدهد؛ امتیاز اعطا می‌شود والا به سینکالر داده خواهد شد.»^{۴۴} به این ترتیب، کوشیدند تا اصلاحیه مجلس و واگذاری احتمالی امتیاز نفت شمال به شرکت سینکالر را ناشی از پرداخت رشوه از سوی این شرکت به نمایندگان مجلس ایران وانمود نمایند.

از سوی دیگر، با انتشار خبر مصوبه جدید مجلس ایران، استاندارد اوایل با یک عقب‌نشینی آشکار از مواضع گذشته خود اعلام کرد که «حاضر است کاملاً با تقاضای دولت ایران موافقت کند و از دادن سهم به کمپانی نفت جنوب خودداری نماید.»^{۴۵} اما این امر شدنی نبود، چرا که مخالفت انگلیسی‌ها و شرکت نفت جنوب را به دنبال داشت. علاوه بر این، اوضاع داخلی ایران چنان نابسامان بود که بحث بر سر امتیاز نفت شمال بیهوده بود و شرکت‌های خارجی به دلیل بی‌ثباتی سیاسی در ایران علاقهای به سرمایه‌گذاری در آن نداشتند. تلگرام حسین علا به احمد قوام در تاریخ ۱۸ ژوئن ۱۹۲۲ م / ۲۸ خرداد ۱۳۰۱ش به خوبی شرایط موجود در ایران و نوع نگاه مسوولین شرکت‌های نفتی امریکایی و مقامات این کشور را نسبت به این شرایط ترسیم می‌کند. او نوشت: «... متأسفانه از تهران اخبار وحشت‌انگیزی راجع به خستگی و استعفای اعلیحضرت [احمدشاه] و قصد تشکیل جمهوری و اختلافات وکلا و ضعف وزرا... و افراط روزنامه‌ها و ازدیاد تحریک بلشویک و دیکتاتوری رضاخان و تهیه مشارالیه در بستان مجلس شورا و مذاخلات دایم سیاست چپی‌ها در انتخابات کابینه و بیم آنها در آینده از مراکز موقی می‌رسد که بنده را حقیقتاً مضطرب نموده است. حکومت نظامی با حضور مجلس و توقف اعلیحضرت در خارج مورد اندیشه بعضی مراکز واقع شده. یقین است این اخبار مخفی نمانده و به دولت امریکا می‌رسد.»^{۴۶}

اوضاع و شرایط نابسامان ایران و خط مشی استاندارد اوایل این فرصت را به شرکت سینکالر با مدیریت پسر روزولت - رئیس جمهوری سابق امریکا داد تا نمایندگان خود را برای مذاکره به تهران اعزام نماید. این نمایندگان در ۲۴ جولای ۱۹۲۲ در تهران پیشنهاد خود را درباره امتیاز نفت شمال ارائه دادند که مواد اساسی آن از این قرار بود: «اولاً بعد از آنکه مجلس اعلام نماید که هیچ‌گونه امتیاز معتبر قانونی در جنوب این امتیاز به کمپانی دیگری داده نشده است؛ سینکالر مسوولیت هر نوع دعاوی را نسبت به این امتیاز بر عهده خواهد گرفت. ثانیاً صریحاً تعهد می‌کند که امتیاز مزبور یا سهام آن را جز به اتباع

با وجود مخالفت‌های دولت ایران با همپاری شرکت نفت ایران و انگلیس در نفت شمال، مذاکرات مدیرعامل شرکت نفت جنوب با مدیران استاندارد اوایل ادامه یافت و به انعقاد قراردادی بین دو طرف انجامید

شرکت نفت ایران و امریکا توسط استاندارد اوایل اداره می‌شد و هر دو شرکت نفت جنوب و استاندارد در آن سهم مساوی داشتند. اتباع و دولت ایران حق داشتند تا میزان ۲۰ درصد در سرمایه این شرکت سهیم باشند

امریکا و ایران به دولت دیگر یا اتباع دولت دیگر واگذار ننماید. ثالثا تمام مصرف نفت و بنزینی را که دولت برای ایران و صنایع ایران لازم بدارد؛ به قیمتی که برای کمپانی تمام شده است ۱۵٪ در ایران بفروشد. رابعا نظر به اینکه ماده فوق برای اهالی ایران و صنایع مملکت کلی اهمیت دارد، به این جهت عایدات دولتی را کمتر تقبل می‌نماید. به این ترتیب که از ۱۶٪ منافع خالص شروع و به نسبت از دیاد منافع تا ۲۵٪ از منافع خالص بپردازد. خاصا بعد از امضای امتیازنامه فورا برای استقراض ده میلیون دلار که معادل ۱۴ میلیون تومان است با یکی از بانکهای معتبر امریکا توسط نماینده خودشان و وزیرمختار ایران داخل مذاکره شده و از قرار ۷٪ و به اعتبار عایدات نفت و تحدید تریاک و دخانیات به موعد بیست سال استقراض می‌نماید و تعهد می‌کند که بعد از امضای امتیاز به فاصله دو هفته شروع به پرداخت وجه شود.^{۳۷} با انتشار پیشنهاد شرکت سینکالر، استاندارد اوپل به دست و پا افتاد و آشکارا اعلام کرد که تمام شرایط دولت و مجلس ایران را خواهد پذیرفت. این شرکت توسط مورگان شوستر به وزیر حسین علا خبر داد که: «استاندارد قطعا تمام تقاضاهای دولت و مجلس را قبول می‌کند.»^{۳۸}

اما دولت ایران این اقدام استاندارد را نمایشی برای اغفال خود و بدست آوردن فرصت برای خنثاکردن کار و مسدودکردن راه موافقت سینکالر تلقی کرد. به همین جهت، قوام در نامه‌ای به حسین علا نوشت: «مصلحت در این است» مدتی برای دادن پیشنهاد قطعی استاندارد معین شود. بعد از انقضای آن موعد تکلیف دولت معلوم شود.^{۳۹}

در پی این تهدید، استاندارد اوپل کوتاه آمد و موافقت خود را با شرایط دولت و مجلس ایران اعلام کرد. متعاقب آن شرکت در ۱۲ تیر ماه ۱۳۰۱ / ۳ ژوئیه ۱۹۲۲ موافقت نامه‌ای درباره نفت شمال ایران با مورگان شوستر امضا کرد و پذیرفت که:

- ۱- دیباچه قرارداد کمپانی نفت جنوب و استاندارد به کلی حذف شود.
- ۲- امتیاز نفت شمال فقط به استاندارد اعطا خواهد شد.
- ۳- استاندارد در مدت امتیاز، اداره و کنترل امور را به دست می‌گیرد و در صورت تخلف امتیاز باطل است.
- ۴- به استثنای صدی بیست از سهام کمپانی استاندارد یا کمپانیهای فرعی آن که به ایران منتقل می‌شود، مابقی سهام اساسی در مالکیت استاندارد باقی می‌ماند.
- ۵- به دولت و اتباع ایران حق داده می‌شود، محصولات تصفیه شده نفت را که برای مصارف داخلی و نه به جهت فروش و تجارت با خارج، لازم دارند، به قیمتی که تمام شود و کمپانی تولید و تصفیه یا کمپانی فروشنده آن را معلوم کنند، به علاوه صدی پانزده خریداری نمایند.
- ۶- سهام اساسی که به دولت و اتباع ایرانی واگذار می‌شود، قابل انتقال به غیر نیست، مگر با موافقت کمپانی استاندارد اوپل.^{۴۰}

این پیشنهاد حاکی از نرمش و عقب‌نشینی استاندارد بود، اما بدگمانی دولت ایران و مصوبه مجلس نزدیکتر بود لیکن سوءظن دولت ایران نسبت به استاندارد سبب شد

که دولت قوام از آن شرکت تعهد کتبی بخواهد. با این وجود، دولت ایران در انتخاب بین سینکالر و استاندارد آزادی عمل لازم را نداشت و در نهایت می‌بایست استاندارد را برگزیند؛ زیرا انحصار کشیدن لوله نفت به خلیج فارس تنها در اختیار شرکت نفت جنوب بود و انگلیسی‌ها اجازه نمی‌دادند که خطوط جدید لوله به خلیج فارس کشیده شود؛ مگر اینکه در امتیاز نفت شمال سهیم شوند. این ملاحظات سبب می‌شود که دولت قوام با استاندارد و سینکالر با احتیاط برخورد کند و بیشتر توان خود را بر سر توافق با استاندارد بگذارد؛ زیرا این شرکت نه تنها از نفوذ بیشتری در امریکا برخوردار بود، بلکه توان توافق با شرکت نفت جنوب را هم داشت.

در همین راستا، قوام درصدد برآمد تا مدیران استاندارد را متقاعد کند که در پیشنهادهای خود درباره نفت شمال ایران به جز اتباع ایران و امریکا، به دولت یا تبعه دولت دیگری نیز اجازه مداخله بدهند و آنها را دارای سهام نماید و در غیر این صورت، امتیاز از درجه اعتبار ساقط است.^{۴۱} قوام کوشید، شرکت را ملزم نماید، در زمان معینی شروع به عملیات استخراج نماید و در صورت امتناع، امتیاز را از درجه اعتبار ساقط کرده و تمام ماشینها و وسایل شرکت را به مالکیت دولت ایران درآورد.^{۴۲} قوام، همزمان با این اعمال فشار به استاندارد، به صورت محرمانه و به وسیله خلیل فهیمی - وزیر اقتصاد خود - از بانک شاهنشاهی درخواست وامی به مبلغ صد هزار لیره با وثیقه عایدات نفت جنوب را مطرح کرد تا بتواند از یک سو، خشم انگلیسی‌ها را برای مدتی فرو نشاند و از سوی دیگر، با کاهش فشار مالی بر دولت، قدرت مانور بیشتری در مقابل شرکت نفتی امریکایی بدست آورد؛ اما بانک شاهنشاهی به درخواست دولت پاسخ منفی داد و دولت قوام در واکنش به این پاسخ شبهه‌های بانک در رشت، مشهد و چند شهر دیگر را تعطیل کرد. به این ترتیب آتش خصومت انگلیسی‌ها برافروخته‌تر شد و به تبع آن فرصت بدست آمده برای جلب نظر مساعد استاندارد اوپل هم از دست رفت.

با از دست دادن فرصت جلب توافق استاندارد اوپل، تنها گزینه موجود، شرکت نفتی سینکالر بود. اما رسیدن به توافق با سینکالر هم بسیار مشکل می‌نمود، چرا که مورگان شوستر به شدت با اعطای امتیاز به این شرکت مخالفت می‌کرد. وی به حسین علا تاکید کرد: «نمی‌توان به هیچ‌وجه به اجرای تمهیدات سینکالر اعتماد کرد... رسما می‌گویم که سینکالر فاقد حیثیت و نفوذ است، هر چند که شرایط آن مساعد باشد، رسما می‌گویم؛ تردید و پیشنهاد استاندارد ضربه شدیدی بر اقتصاد ایران است» این کاغذی که نماینده سینکالر نوشته تعهد می‌کنم؛ بی‌معنی و بوج است.^{۴۳} حسین علا نیز در تلگرافی به قوام‌السلطنه از بُعد دیگری موضوع را بررسی کرده و اعطای امتیاز به شرکت سینکالر را به صلاح کشور ندانسته است. وی نوشت:

«... دولت ایران برای احیای مالی و اقتصاد ایران به‌وسیله مستشاران و سرمایه امریکا نیایستی به هیچ‌وجه سینکالر و بانک او را بر استاندارد مورگان ترجیح دهد... سینکالر هیچ وقت اطمینانی از دولت امریکا تحصیل

نکرده است... بی‌پروا تصمیم نرفته، با صبر و فکر اقدام بفرمایید.»^{۴۴}

وقتی شرکت نفتی سینکالر تردید دولت ایران را در اعطای امتیاز به آن شرکت دید، شرایط پیشنهادی خود را تا حدی تعدیل کرد و متعهد شد، اگر سهام امتیاز را به شرکت‌های غیرامریکایی یا غیرایرانی انتقال دهد؛ امتیاز باطل شود. درباره حقوق ایران نیز در پیشنهاد جدید تاکید شده بود: «در صورتی که منافع هر کمپانی کمتر از صدی پنجاه سرمایه مصروفی باشد، حق دولت از عایدات خالص صدی شانزده و اگر بیش از صدی پنجاه باشد، حق دولت بین صدی پنجاه و صدی شصت، صدی هفده، بین صدی هفتاد و صدی هشتاد، صدی نود، بین صدی هشتاد و صدی نوزده صدی بیست و صدی نود و صدی صد. صدی ۲۵ خواهد بود.» علاوه بر این سینکالر متعهد شد که بانکهای امریکایی سهام قرض ایران را با صدی هفت به میزان ده میلیون دلار طلای امریکا خریداری کنند که در مدت ۲۰ سال از محل عایدات نفت جنوب، تریاک و دخالتس پرداخت شود.^{۴۵}

دولت قوام این پیشنهاد را به دلایل پیشین از جمله عدم حمایت دولت امریکا از شرکت سینکالر مسکوت گذاشت و همچنان کوشید تا نظر موافق استاندارد را جلب نماید. اما شرکت استاندارد بر مشروعیت امتیاز خوشترایا و فرمان سپهسالار تاکید داشت. قوام‌السلطنه با هدف متقاعدکردن استاندارد از صحنه گذاشتن دولت انگلیس بر عدم مشروعیت امتیاز خوشترایا، متن نامه سر پرسی کاکس - سفیر وقت انگلیس در ایران - خطاب به وثوق‌اللوله را ارسال داشت که در آن آشکارا بر باطل بودن امتیاز تاکید شده بود:

«در تعقیب مذاکره‌ای که اخیرا راجع به امتیاز خوشترایا نمودیم؛ دولت انگلیس مجددا این امر را تحت مطالعه درآورده و به عقیده خود باقی است که به واگذارن امتیاز مزبور به یک کمپانی انگلیسی علاقه‌ای ندارد و دولت انگلیس ترجیح می‌دهد، عقیده دولت ایران را بر این که امتیاز مزبور باطل است، تقویت نماید. ضمنا حضرت اشرف را مطلع می‌سازم که در صورتی که دولت ایران بخواهد امتیاز جدیدی در این موضوع اعطا نماید، دولت انگلیس به خیرخواهی دولت ایران امیلوار است که اعطای آن را به یک شرکت انگلیسی مقدم بدارد.»^{۴۶}

- با ادامه مشاجره ایران و استاندارد اوپل بر سر مشروعیت امتیاز خوشترایا، سینکالر از فرصت استفاده کرد و با اصلاح موادی از پیشنهاد خود متعهد شد:
۱. در مدت ۶ ماه اکتشاف را تمام کرده، بلافاصله شروع به استخراج نماید، در هر حال به هیچ‌وجه دیرتر از پنج سال شروع به استخراج نخواهد شد.
 ۲. زمینهای عملیات شرکت به هیچ‌وجه بیش از صدی پانزده تمام مساحت ایالات شمالی نخواهد بود.
 ۳. حق دولت ایران صدی شانزده تا صدی بیست و پنج عایدات خالصه را شامل می‌شود.
 ۴. مقدار نفتی که برای مصرف داخله دولت و اتباع ایران لازم باشد، یا صدی ده منفعت خواهد فروخت.
 ۵. چنانچه سه ماه بعد از امضای امتیاز شرکت ده میلیون



قوام در میان اعضای کابینه



۱۳۰۱ لایحه‌ای که مقتضی پیشنهادهای هر دو شرکت بود، تقدیم مجلس کرد. وی از مجلس خواست که مصوبه مربوط به اعطای امتیاز نفت شمال برای دومین بار به شرح ذیل اصلاح شود: «... امتیاز نفت و گاز طبیعی و قیر و موم معدنی... به یک کمپانی مستقل و معتبر امریکایی اعطا گردد.» در این لایحه پیشنهادی موضوع قرض و امتیاز از هم تفکیک شده بود و همچنین به دولت و اتباع ایران حق می‌داد، مقدار نفت تصفیه شده‌ای را که برای دولت و مصرف خصوصی ایران لازم است، به قیمت تمام شده به اضافه ۱۰٪ از صاحب امتیاز خریداری نمایند.^{۳۹} به دنبال آن، حسین علا در تلگرامی به قوام اظهار داشت که... «مذاکره درخصوص استقرض مستقل از امتیاز ممکن نیست مگر اینکه مشکلات فعلی تسویه شود و نتایج اقدامات مستشاران امریکا در اصلاح مالیه ایران با بانکهای امریکا ارایه شود تا اطلاعات کاملتری از اوضاع ایران بدست آید.»^{۴۰}

پیشنهاد قوام با مخالفت استاندارد و موافقت سینکлер مواجه شد. شرکت سینکлер به صورت کتبی اعلام کرد که حاضر است، با کاهش صدی هفت به اعتبار عایدات نفت جنوب یا درخصوص قرض با شرایطی که به رضایت دو طرف معین شود، یک میلیون دلار به ایران مساعده بدهد و هر وقت امتیاز نفت ۵ استان با شرایط مورد توافق سینکлер به طور کامل اعطا شد، برای انجام قرض پنج میلیون لیره‌ای به ایران با همان شرایط پیشنهادی استاندارد اقدام خواهد کرد.^{۴۱} حسین علا به مخالفت صریح با این پیشنهاد برخاست و اعلام کرد:

با انتشار پیشنهاد شرکت سینکлер، استاندارد اوایل به دست و پا افتاد و آشکارا اعلام کرد که تمام شرایط دولت و مجلس ایران را خواهد پذیرفت. این شرکت توسط مورگان شوستر به وزیر حسین علا خبر داد که: «استاندارد قطعاً تمام تقاضاهای دولت و مجلس را قبول می‌کند.»

قرض دولت ایران را ندهد، دولت می‌تواند امتیاز را باطل نماید.^{۴۲}

اما حسین علا بار دیگر به مخالفت با سینکлер برخاست و در تلگرافی به قوام اعلام کرد: «پیشنهاد سینکлер به وزارت خارجه امریکا با پیشنهادی که به دولت ایران داده است؛ خیلی فرق دارد. باید سینکлер فوراً معین کند که آیا قرض و امتیاز توأم است یا خیر؟ وضعیت صدور سهام قرض از چه قرار است؟ اگر موکول به بعد شود عاقبت معامله با بانکها معلوم نیست... سینکлер یا تعیین ۲۸۸٪ قیمت صدور متجاوز از یک میلیون به ایران ضرر وارد می‌کند... صرف نظر از مخالفت انگلیسی‌ها، احتمال می‌رود سهام قرض که اعتبار عمده آن محل متزلزل نفت خام به مدت بیست سال است به فروش نرسیده و شکست بزرگی به اعتبار در بازار وارد آید.»^{۴۳}

قوام السلطنه به علا پاسخ داد که در پیشنهاد سینکлер قرض و امتیاز توأم هستند و تاکید کرد که دولت به صحت تعهدات نماینده سینکлер اعتماد دارد. از طرف دیگر، برخلاف سینکлер، استاندارد حاضر به اصلاحات اساسی نیست و دولت ناچار است، هر دو پیشنهاد را به مجلس تقدیم کند.^{۴۴} در ورای هر دو پیشنهاد قدرتهای بزرگ قرار داشتند، استاندارد به دولت انگلیس اتکا داشت که انحصار خطوط لوله حمل نفت در جنوب را در اختیار داشت و سینکлер از حمایت شوروی برخوردار بود که اجازه حمل و صدور نفت از راه قفقاز را به آن داده بود.

دولت قوام، اختیار انتخاب یکی از دو شرکت استاندارد و سینکлер را بر دوش مجلس گذاشت و در اواخر شهریور

«گرفتن مساعده یک میلیون دلار از سینکلو... اعتبار ایران را در بازار آمریکا سست می‌کند و ممکن است باعث قطع مذاکره با استاندارد شود... در مورد قرض ۵ میلیون لیره‌ای نیز مشخص نیست که آیا بعد از اعطای امتیاز، سینکلو می‌تواند از بانکها برای ایران استقراض نماید... اگر هم بتواند این کار را انجام دهد؛ از بانکهای معتبر نخواهد بود... در حالی که قرض استاندارد را معتبرترین بانکهای آمریکا یعنی مرگان، توانست و ناسیونال سیتی می‌پردازند و حاضرند بدون ملاحظه ترکیه به مجرد اعطای امتیاز به استاندارد، ۵ میلیون دلار از قرار صد دلاری ۹۶ دلار پنج ساله یا ده میلیون دلار از قرار ۹۴ دلار ده ساله با تنزل صدی هفت و اعتبار عایدات نفت جنوب به دولت قرض دهند.»^{۵۲}

در پی این مکاتبات استاندارد اوایل اعلام کرد: «از اعزام نماینده برای استقراض و امتیاز نفت شمال منصرف شده است؛ چرا که بعد از مذاکره با بانک مرگان از پیشرفت فروش سهام قرض ده میلیون با اوضاع فعلی... ناامید شده است.»^{۵۳} به دنبال اعلام انصراف استاندارد اوایل، قوام‌السلطنه به مجلس پیشنهاد کرد که امتیاز نفت شمال را به مدت ۵ سال به شرکت سینکلو اعطا نماید. براساس این پیشنهاد سینکلو اجازه نداشت، تمام یا بخشی از حقوق خود را به دولت یا اتباع غیر ایرانی و آمریکایی واگذار کند. علاوه بر این، سینکلو متعهد می‌شد در شش ماه اول هر سال مبلغی را که کمتر از ۱۶٪ عایدات خالص سال گذشته نباشد؛ به ایران بپردازد. سهم ایران از منافع خالص بین حداقل ۱۶٪ تا ۲۵٪ یا ۱۰ درصد ارزش ناخالص نفت استخراج شده پرداخت می‌گردید. سینکلو می‌بایست سهام قرض به مبلغ ده میلیون دلار طلای آمریکا با ۷٪ بهره سالیانه برای ایران تهیه کند. وثیقه این قرض را عایدات سهمی ایران در شرکت نفت جنوب و تجارت دخانیات و تریاک تشکیل می‌داد.^{۵۴}

شخص قوام به منظور تصویب پیش‌نویس امتیاز، در مجلس حضور یافت و گفت که شرکت، یک صد هزار سهم به من داده و من هم آن را به مجلس تقدیم می‌کنم.^{۵۵} اما تصویب پیشنهاد اعطای امتیاز نفت شمال به شرکت سینکلو آمریکایی تا اسفندماه ۱۳۰۲ به تأخیر افتاد؛ چرا که طرفداران شرکت نفت جنوب و عناصر انگلوفیل درون نظام در جهت تصویب آن کارشکنی می‌کردند. میلسو - رییس و مستشار دارایی - و مورگان شوستر از مهم‌ترین مخالفین اعطای امتیاز به سینکلو بودند و به اتحای مختلف از جمله همدستی با نمایندگان مجلس از طرح پیشنهاد دولت در صحن مجلس جلوگیری می‌کردند. میلسو بر انجام تغییراتی در امتیازنامه عنوان داشت و شوستر تأکید می‌کرد در صورت اعطای امتیاز نفت شمال به استاندارد، بانک مرگان قرض ده میلیون دلاری را در اختیار ایران قرار می‌دهد.^{۵۶} با این وجود، مجلس شورای ملی در جلسه ۳۱ خرداد ۱۳۰۲ خود ماده الحاقیه به قانون استقراض را اصلاح و مقرر کرد: «محل پرداخت قرضه ۵ میلیون دلار، عایدات مملکتی خواهد بود، به استثنای

عایدات نفت جنوب»^{۵۷} با تصویب این لایحه استاندارد اوایل که بر وثیقه عایدات نفت جنوب برای دادن قرض به ایران تأکید داشت؛ اعلام کرد که از پرداخت قرض به ایران ناتوان است و از دریافت امتیاز نفت شمال ایران منصرف شده است. نماینده این شرکت در ملاقاتی با حسین علا به تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۰۲ اظهار داشت:

«بدون وثیقه نفت جنوب، دادن قرض محال است... در شرایط فعلی نیز به دلیل تزلزل وضعیت سیاسی اروپا و احتمال حدوث مناقشه بین انگلیس و فرانسه در مساله روهر و به انجام نرسیدن عقد عهدنامه با عثمانی و بحران در بازار نیویورک انتشار سهام قروض خارجه مخصوصا قرض ایران در این موقع به هیچ‌وجه مساعد نیست.»^{۵۸}

به این ترتیب، شرکت استاندارد اوایل از صحنه رقابت بر سر امتیاز نفت شمال ایران خارج شد؛ اما به محض فراغت از پرونده امتیاز، با همکاری انگلستان، شرکت نفت ایران و انگلیس و عناصر انگلوفیل درون نظام تلاش گسترده‌ای را برای از صحنه بیرون کردن شرکت سینکلو آغاز کرد. دولت قوام در خرداد ۱۳۰۲ سقوط کرد. با انتصاب سردار سپه به نخست‌وزیری در سطح مسوولان دولت مذاکرات جدی برای تصویب پیش‌نویس قرارداد اعطای امتیاز نفت شمال به سینکلو آغاز شد. سرانجام، در ۲۹ شهریور ۱۳۰۲ رضاخان - نخست‌وزیر وقت - و سایر نماینده شرکت سینکلو - قرارداد اعطای امتیاز نفت شمال ایران را امضا کردند. در قرارداد امضا شده تغییراتی در پیشنهاد نخستین قوام به مجلس شورا داده شده بود، از جمله اینکه یکی از پنج استان مورد توافق در آینده برای یک شرکت ایرانی در آینده کنار گذاشته شود. میزان تغییرات درباره سود حاصل به ۲۰ تا ۲۸ درصد افزایش یافت. صاحب امتیاز متعهد شد؛ وامی به مبلغ ده میلیون دلار از آمریکا برای ایران تهیه کند و اعطای امتیاز، مشروط به تأمین و پرداخت این وام شد.^{۵۹} رضاخان در مجلسی که به مناسبت انعقاد قرارداد نفت شمال برگزار شده بود، اظهار داشت: «این، یکی از بزرگ‌ترین لحظات تاریخ ایران است. ما قصد آن داریم که قدرت اقتصادی روسیه و انگلیس را در ایران ملغا سازیم. این امتیاز که به یک شرکت آمریکایی داده شده است، سرآغاز یک همبستگی قوی‌تر و نزدیک‌تر بین ایران و آمریکا می‌باشد.»^{۶۰} اما این آرزو هیچگاه تحقق نیافت و شرکت سینکلو هرگز نتوانست عملیات اکتشاف نفت را در شمال ایران آغاز کند.

پی‌نوشتها:

- ۱- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران پهلوی، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۴، ص ۱۳.
- ۲- اداره کل آرشیو، اسناد و موزه دفتر ریاست جمهوری، امتیاز نفت شمال به روایت اسناد نخست‌وزیری، سند ش ۴، ص ۶۳.
- ۳- همان، ش ۵.
- ۴- همان، سند ش ۴.
- ۵- مکاتبه احمد قوام با سفارت ایران در لندن، سند ش ۴، صص ۶۴-۶۳.
- ۶- سند ش ۵ اسناد دفتر ریاست جمهوری، ۹ آذر، ۱۳۰۰ مکاتبه احمد قوام با حسین علا وزیر مختار ایران در واشنگتن.
- ۷- هوشنگ مهدوی، همان، ص ۱۲.

- ۸- اسناد دفتر ریاست جمهوری ایران، سند ش ۲۳/۱، مکاتبه احمد قوام با حسین علا.
- ۹- همان.
- ۱۰- اول ساتن، همان، ص ۵۲.
- ۱۱- سند ش ۴۷، اسناد دفتر ریاست جمهوری.
- ۱۲- همان.
- ۱۳- سند ش ۱۴، اسناد ریاست جمهوری ایران.
- ۱۴- سند ش ۴۷، اسناد ریاست جمهوری ایران، تلگراف حسین علا وزیر مختار ایران در واشنگتن به احمد قوام به تاریخ ۲ ژانویه ۱۹۹۲.
- ۱۵- سند ش ۱۰، مکاتبه با حسین علا، ۵ دسامبر ۱۹۲۱.
- ۱۶- اداره کل آرشیو، اسناد و سند دفتر رییس جمهوری، همان، صص ۱۴-۱۳.
- ۱۷- مرکز اسناد ریاست جمهوری، امتیاز نفت خورین، سند ش ۲۰.
- ۱۸- اول ساتن، همان، ص ۵۴.
- ۱۹- سند ش ۵۶، مکاتبه مشیرالدوله با حسین علا وزیر مختار ایران در واشنگتن، ۱۴ فوریه ۱۹۲۲.
- ۲۰- سند ش ۵۷، تلگراف رمز حسین علا به مشیرالدوله.
- ۲۱- سند ش ۵۸، تلگراف حسن پیرنیا رییس‌الوزرا به حسین علا وزیر مختار ایران در واشنگتن، ۳۰ دی ۱۳۰۰.
- ۲۲- اداره کل آرشیو، اسناد و موزه همان، ص ۱۶.
- ۲۳- سند ش ۵۹، تلگرام حسین علا وزیر مختار ایران در واشنگتن به حسین پیرنیا رییس‌الوزرا.
- ۲۴- سند ش ۶۰، همان.
- ۲۵- سند ش ۶۸، دفتر ریاست جمهوری، تلگرام رییس‌الوزرا به حسین علا ۱ مارس ۱۹۲۲.
- ۲۶- دفتر رییس جمهوری، امتیاز نفت شمال، ص ۱۸.
- ۲۷- اول ساتن، همان، ص ۵۵.
- ۲۸- سند ش ۶۸، اسناد ریاست جمهوری، ص ۱۱۳.
- ۲۹- اسناد ریاست جمهوری، سند ش ۹۳.
- ۳۰- اسناد دفتر ریاست جمهوری، سند ش ۹۲، مکاتبه احمد قوام با حسین علا ۲۲ خرداد ۱۳۰۱.
- ۳۱- همان.
- ۳۲- حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، جلد دوم، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب) ۱۳۵۹، ص ۹۲.
- ۳۳- دفتر اسناد ریاست جمهوری، سند ش ۹۸/۲.
- ۳۴- همان، سند ش ۹۴.
- ۳۵- همان، ش ۹۵.
- ۳۶- همان، ش ۹۶.
- ۳۷- همان، ش ۱۰۱.
- ۳۸- همان، ش ۱۰۶.
- ۳۹- همان، ش ۱۰۶.
- ۴۰- همان، ش ۱۰۳.
- ۴۱- همان.
- ۴۲- همان.
- ۴۳- همان، ش ۱۰۸.
- ۴۴- همان، ش ۱۰۹.
- ۴۵- همان، ش ۱۱۲.
- ۴۶- همان.
- ۴۷- همان.
- ۴۸- دفتر اسناد ریاست جمهوری، سند شماره ۱۱۴.
- ۴۹- سند شماره ۱۱۲.
- ۵۰- سند شماره ۱۱۴.
- ۵۱- دفتر اسناد ریاست جمهوری، امتیاز نفت شمال، ص ۲۹.
- ۵۲- همان.
- ۵۳- سند شماره ۱۱۳.
- ۵۴- اول ساتن، همان، ص ۵۶.
- ۵۵- حسین مکی، همان، ص ۹۳.
- ۵۶- دفتر رییس‌جمهور، امتیاز نفت شمال، همان، ص ۳۲.
- ۵۷- همان، دفتر اسناد برگزیده ش ۷۰، سند ش ۲۵.
- ۵۸- همان، سند ش ۲۸.
- ۵۹- اول ساتن، همان، ص ۵۶.
- ۶۰- علی‌اصغر زرگر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ترجمه کاوه بیات، (تهران: پروین و معین)، ۱۳۷۲، ص ۱۰۲.